

تأثیر به کارگیری رویکرد ارزش منصفانه بر شاخص‌های عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط

روح‌اله صدیقی*

محمد مرفوع**

علی قاسمی***

چکیده

در پژوهش حاضر، با الگوگیری از رویکرد ارزش منصفانه در استانداردهای گزارشگری واحدهای کوچک و متوسط، تاثیر این رویکرد بر شاخص‌های عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط، مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تغییرات شاخص‌های عملکرد پس از به کارگیری استانداردهای کوچک و متوسط می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، شرکت‌های زیرمجموعه شرکت‌های بورسی که فعالیت آن‌ها سرمایه‌گذاری است، می‌باشد که تعداد ۹۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند. بازه زمانی تحقیق سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۶ می‌باشد که با استفاده از داده‌های تاریخی در صورت‌های مالی حسابرسی شده و ارزش منصفانه پرتفوی سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها بر اساس تابلوی معاملات بورس، تغییرات نسبت بازده دارایی‌ها (ROA) و نسبت بازده حقوق صاحبان سرمایه (ROE) به عنوان شاخص‌های عملکرد، پس از به کارگیری رویکرد ارزش منصفانه، از لحاظ آماری بررسی و با شاخص‌های مذکور بر اساس استاندارد حسابداری ایران مقایسه شد. نتایج نشان داد که نسبت بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سرمایه به عنوان شاخص‌های عملکرد، پس از به کارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط تغییر معناداری پیدا نمی‌کنند. واژگان کلیدی: ارزش منصفانه، ارزیابی عملکرد، شاخص‌های عملکرد، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، واحدهای کوچک و متوسط.

* استادیار گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

** استادیار گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

*** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول): Ghasemi093@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

مقدمه

بخش بسیار بزرگی از واحدهای اقتصادی در سراسر جهان را واحدهای تجاری کوچک و متوسط^۱ تشکیل می‌دهند. واحدهای تجاری کوچک و متوسط، طبقه‌ای متنوع و پویا در اقتصاد کشورها، به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار و با ویژگی‌ها و مشخصه‌های متفاوت و متمایز از واحدهای تجاری بزرگ هستند (رحیمیان و اسکندری، ۱۳۹۱). در محیط رقابتی کنونی که یکی از مشخصه‌های بارز آن کمبود منابع است، مدیریت و ارزیابی عملکرد نقشی حیاتی برای سازمان ایفا می‌کند. (آمادو، سانتوس، و مارکس، ۲۰۱۲). اقتصاد مدرن مبتنی بر مبادلات با کشورهای دیگر و جریان آزاد منابع بین‌المللی است. سرمایه‌گذاران در چنین اقتصادی به دنبال فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری و متنوع سازی سرمایه‌گذاری‌های خود و استفاده از فرصت‌هایی نظیر بازارهای بکر کشورهای دیگر هستند. فعالیت شرکت‌ها در جامعه بین‌المللی، آن‌ها را با چالش‌هایی نظیر مقایسه عملکرد شرکت‌ها، استقرای بین‌المللی و شفافیت صورت‌های مالی روبرو کرده است. گزارش‌های مالی کشورهای مختلف به دلیل استانداردهای حسابداری متناسب با شرایط بومی، قابلیت مقایسه پذیری کمتری دارند. همچنین باید صورت‌های مالی تهیه شده بر اساس استانداردهای ملی کشورها، از کیفیت لازم برخوردار باشد. برای پاسخگویی به نیاز جامعه جهانی به استانداردهای یکسان و صورت‌های مالی مقایسه پذیر و باکیفیت، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تدوین شد. بنیاد IFRS بیان می‌کند که این مجموعه استانداردها قابلیت مقایسه و کیفیت صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. قابلیت مقایسه به دلیل استفاده از رویه‌های یکسان در تهیه گزارش‌های مالی، افزایش می‌یابد. اما در خصوص کیفیت، برخی مطالعات نشان می‌دهد که کیفیت گزارش‌های مالی به عوامل دیگری مانند حسابرسی، بازارهای سرمایه، قانون‌گذاری، فرهنگ و... نیز بستگی دارد، بنابراین ممکن است که استفاده از این استانداردها لزوماً منجر به افزایش کیفیت نشود (بال، لی و شیواکومار، ۲۰۱۵، فاکس‌هانا، هلیار و ونزیانی، ۲۰۱۳ و فیش و نووتی فارکاس، ۲۰۱۶).

سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، سازمان توسعه و هماهنگی اقتصادی نیز جهت ارزیابی پروژه‌ها و اعطای وام، بورس‌های خارجی جهت پذیرش و عرضه سهام شرکت‌های خارجی و در نهایت سرمایه‌گذاران خارجی برای درک

بهرتر از صورت‌های مالی کشورهای مختلف و امکان مقایسه آنها بدون صرف هزینه و زمان زیاد به یک معیار مشترک و هماهنگ نیاز دارند که استانداردهای بین‌المللی توانسته است این نیاز را تامین کند و عملاً تبدیل به زبان مشترک گزارشگری مالی شود (رحمانی، ۱۳۸۸). بنابراین در شرکت‌های دارای فعالیتهای تامین مالی بین‌المللی یا دارای رقبای تجاری خارجی باید صورت‌های مالی به گونه‌ای اندازه‌گیری، افشا و حسابرسی شود تا نیازهای اطلاعاتی کلیه استفاده‌کنندگان برآورده گردد (خوش‌طینت، ۱۳۸۲).

مجموعه کامل استانداردهای بین‌المللی الزاماتی دارند که اجرای آنها برای برخی واحدهای کوچک و متوسط پرهزینه است. لذا برای این دسته از شرکت‌ها مجموعه استانداردهای جداگانه تحت عنوان استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط^۱ تدوین شد که بر اساس استانداردهای بین‌المللی است اما الزامات افشای کمتری دارد. بنا بر اعلام وبسایت بنیاد IFRS حدود ۸۷ درصد کشورها از مجموعه کامل استانداردهای بین‌المللی و حدود ۵۱ درصد کشورها از مجموعه استانداردهای بین‌المللی برای واحدهای کوچک و متوسط استفاده می‌کنند (بنیاد IFRS، ۲۰۱۸). در کشور ما نیز مجموعه کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پذیرفته‌شده و توسط سازمان حسابرسی ترجمه شده است اما استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط هنوز پذیرفته نگردیده است و طبق اعلام بنیاد IFRS، کشور ما نیز در حال بررسی به‌کارگیری استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط می‌باشد. بنابراین ضروری است که کیفیت این مجموعه استانداردها قبل از به‌کارگیری آنها مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها شاخص‌های مختلفی از جمله بازده دارایی‌ها (ROA) و بازده حقوق صاحبان سرمایه (ROE) وجود دارد که این شاخص‌ها ممکن است در صورت به‌کارگیری استانداردهای جدید تغییر کنند و این تغییرات ممکن است منجر به تغییر رویکرد مدیران، در مدیریت عملکرد شرکت‌ها گردد. در این تحقیق شرکت‌های سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط مورد بررسی قرار گرفته‌اند چراکه نحوه سبده‌گردانی و دیدگاه‌های مدیران در این شرکت‌ها ممکن است متأثر از نحوه ارزیابی عملکرد این شرکت‌ها توسط استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی باشد.

بنابراین با توجه به مطالب فوق و با توجه به این که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط تا به حال در ایران اجرا نشده اهمیت

استانداردهای بین‌المللی در مراودات جهانی، می‌توان گفت مسئله این است که با فرض به‌کارگیری این مجموعه استانداردها، آیا شاخص‌های عملکرد (ROE و ROA) در شرکت‌های سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط، پس از به‌کارگیری رویکرد ارزش منصفانه تغییر معناداری می‌کند؟

مبانی نظری پژوهش

تاریخچه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به بیش از ۴۰ سال گذشته برمی‌گردد. نخستین مجموعه استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۱ در سال ۱۹۷۱ توسط کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۲ منتشر شد که بعداً به هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۳ تغییر پیدا کرد. هیئت استانداردهای حسابداری به‌طور جهانی، نقشه راه گزارشگری مالی را تغییر شکل داد. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای شرکت‌هایی که سهام آن‌ها در بازارهای بورس معامله می‌شود الزامی است که صورت‌های مالی تلفیقی خود را بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تهیه کنند. این الزام برای شرکت‌هایی است که سال مالی آن‌ها از ۱ ژانویه ۲۰۰۵ شروع می‌شود، می‌باشد. به‌رحال تأخیر در به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی برای شرکت‌هایی که تنها اوراق بدهیشان در چنین بازارهایی مبادله می‌شود، مجاز بوده است. استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌در ابتدا به نظر می‌رسید که تأثیر اساسی بر گزارش‌های مالی دارد. حتی در انگلستان با وجود اینکه استانداردهایی نزدیک به استانداردهای بین‌المللی داشته، صورت‌های مالی شرکت‌ها پس از به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی تغییرات زیادی پیدا کرد. به‌عنوان مثال در صورت تطبیق سود بر اساس استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای انگلستان در شرکت ودافون برای سال مالی ۲۰۰۵ مبلغ ۶/۵ میلیارد یورو بر اساس استانداردهای بین‌المللی و ۶/۹ میلیارد یورو بر اساس استانداردهای انگلستان گزارش شده بود که بخش عمده آن مربوط به تفاوت استهلاک سرفقلمی در دو مجموعه استاندارد بوده است. در هواپیمایی بریتانیا^۴ به‌طور مشابه حدود دو سوم حقوق صاحبان سهام به دلیل استفاده از استانداردهای بین‌المللی در شناسایی مزایای بازنشستگی کاهش یافت (دی جورج، لی و لاکسمانان، ۲۰۱۶).

1. IAS-International Accounting Standards
 2. IASC-International Accounting Standards Committee
 3. IASB- International Accounting Standards Board
 4. British Airways

به طور معمول دو هدف برای به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ارائه می‌شود:

الف- افزایش کیفیت گزارشگری

ب- افزایش قابلیت مقایسه پذیری صورت‌های مالی بین کشورها. این اهداف توسط هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بدین صورت بیان شده است:

" جهت توسعه منافع عمومی، یک مجموعه استاندارد گزارشگری با کیفیت، قابل فهم، قابل اجرا و پذیرفته شده به صورت جهانی مبتنی بر اصول نیاز می‌باشد. این استانداردها باید دارای کیفیت بالا، شفافیت و قابلیت مقایسه‌ی اطلاعات در صورت‌های مالی و دیگر گزارش‌های مالی باشند تا جهت کمک به سرمایه‌گذاران و دیگر ذینفعان در بازارهای سرمایه در جهان و سایر استفاده‌کنندگان جهت تصمیم‌گیری اقتصادی استفاده گردند." (دی جورج، لی و لاکسمانان، ۲۰۱۶).

واحدهای کوچک و متوسط بیش از ۹۵ درصد شرکت‌ها را در سطح جهان و ۶۵ درصد اشتغال را در برمی‌گیرد (بونیتو و پیس، ۲۰۱۸). این شرکت‌ها سهم زیادی در ایجاد شغل، نوآوری در تکنولوژی و بازده اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دارند. (چن، ۲۰۰۶). به عنوان مثال در اروپا واحدهای کوچک و متوسط ۶۷ درصد اشتغال را در سال ۲۰۱۰ تشکیل دادند و در بازه سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۰ نیز، ۸۵ درصد از شغل‌های جدید در کشورهای عضو اتحادیه اروپا را در برمی‌گرفت. (اتحادیه اروپا ۲۰۱۲). افزون بر این، این واحدها در سال ۲۰۱۵، ۹۹ درصد شرکت‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا را، تشکیل داده است (اتحادیه اروپا، ۲۰۱۸).

در خصوص کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه^۱ واحدهای کوچک و متوسط ۹۷ درصد تجارت در کشورهای عضو اپک را شامل می‌شود. (اپک، ۲۰۱۸).

وبسایت دفتر نماینده تجاری ایالات متحده آمریکا^۲ گزارش می‌دهد که شرکت‌های کوچک و متوسط، بنیان اقتصاد آمریکا هستند. ۳۰ میلیون شرکت کوچک و متوسط در آمریکا نزدیک به دوسوم از اشتغال در دهه گذشته را تشکیل داده‌اند. واحدهای کوچک و متوسط تمایل به رشد سریع‌تر، ایجاد به شغل‌های بیشتر و پرداخت دستمزد بالاتر دارند

1. Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC)
2. Office of the United States Trade Representative (USTR)

نسبت به شرکت‌های مشابه دارند (دفتر نماینده تجاری ایالات متحده آمریکا، ۲۰۱۸). قبل از اینکه هیئت تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی، استانداردهای گزارشگری برای واحدهای کوچک و متوسط را منتشر کند، کشورها از استانداردهای ملی یا نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط استفاده می‌کردند. هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی معتقد است که استانداردهای کوچک و متوسط، دسترسی این واحدها را به منابع مالی بین‌المللی از طریق افزایش کیفیت گزارشگری و همسان شدن اطلاعات مالی، فراهم می‌کند. (بونیتو و پیس، ۲۰۱۸). استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط مبتنی بر نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی است که برخی تعدیلات بابت نیازهای استفاده‌کنندگان و ملاحظات منفعت-هزینه در آن در نظر گرفته شده است. (بنیاد IFRS، ۲۰۱۵). این مجموعه شامل ۳۵ بخش و کاهش بسیار زیادی در الزامات افشا و رساندن آن به حدود ۳۰۰ مورد در مقایسه با نسخه کامل که حدود ۳۰۰۰ الزام افشا دارد. البته این استانداردها بسیار شبیه نسخه کامل هستند اما نسخه کامل مجموعه بزرگ و پیچیده‌ای از استانداردها می‌باشد که برای واحدهای کوچک و متوسط بسیار پرهزینه است. (پرا و چاند، ۲۰۱۵).

مأموریت هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی، توسعه یک مجموعه واحد باکیفیت از استانداردهای جهانی است که مقبولیت جهانی داشته باشد. این مأموریت ساده بیان می‌شود اما اجرا و به هدف رساندن آن دشوار است. تمام لغات بااحتیاط انتخاب شدند. استانداردهای حسابداری جهانی شرایط لازم برای گزارشگری مالی جهانی را فراهم می‌کند اگرچه آن‌ها کافی نیستند. استانداردها شرایط لازم را دارند زیرا بر اساس آن شرکت‌ها صورت‌های مالی خود را تهیه می‌کنند. بدون مجموعه‌ای واحد از استانداردها، نمی‌توان امید داشت که گزارشگری مالی در سراسر جهان، همسان باشد. استانداردها شرایط لازم را ندارند زیرا به کار بردن آن‌ها به سایر ویژگی‌های گزارشگری از جمله، الزامات قانونی و حسابرسی بستگی دارد (بارث، ۲۰۰۸). اهمیت وجود استانداردهای همسان نه تنها برای شرکت‌های بورسی بلکه برای دیگر شرکت‌ها نیز رو به رشد است به همین دلیل هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی، برای واحدهای کوچک و متوسط استانداردهایی تدوین کرد. پروژه تدوین این استانداردها از سال ۲۰۰۳ شروع شد و اولین نسخه این استانداردها در ۹ ژوئیه ۲۰۰۹ (بونیتو و پیس، ۲۰۱۸) و جدیدترین نسخه آن در سال ۲۰۱۵ منتشر شد.

طبق تعریف بخش یک استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط، این واحدها به شرح زیر است:

واحدهای کوچک و متوسط واحدهایی هستند که:

الف- مسئولیت پاسخگویی عمومی ندارند و

ب- صورت‌های مالی با مقاصد عمومی برای استفاده کنندگان خارجی منتشر می‌کنند.

نمونه‌هایی از استفاده کنندگان خارجی شامل مالکان که مدیریت واحد تجاری دخالتی ندارند، اعتباردهندگان فعلی و بالقوه و مؤسسات رتبه‌بندی اعتبار.

یک واحد مسئولیت پاسخگویی عمومی دارد اگر:

الف- بدهی یا سرمایه آن در بازارهای عمومی معامله می‌شود یا در فرآیند انتشار در بازارهای عمومی قرار دارند (بازار بورس و اوراق بهادار داخلی یا خارجی یا بازارهای فرابورس، شامل بازارهای محلی و منطقه‌ای) یا

ب- دارایی‌های گروه‌های گسترده‌ای از افراد برون‌سازمانی را به‌عنوان تجارت اصلی خود، به امانت می‌گیرد (بیشتر بانک‌ها، تأمین‌کنندگان اعتبار، شرکت‌های بیمه، کارگزاران سهام، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌های سرمایه‌گذاری در شرط ب قرار می‌گیرند). همچنین در بند ۱,۶ این استاندارد گفته شده که شرکت فرعی که شرکت اصلی آن از نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی استفاده می‌کند در صورتی که پاسخگویی عمومی نداشته باشد از استفاده از این استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط منع نمی‌شود، به شرطی که از کلیه الزامات این استاندارد تبعیت کند. بنابراین در این تحقیق واحدهای فرعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری انتخاب شده است. (بنیاد IFRS، ۲۰۱۵)

پیش‌نویس نخستین استاندارد بین‌المللی سرمایه‌گذاری، در سال ۱۹۸۴، منتشر شد. بعد از آن استاندارد بین‌المللی شماره ۳۲ در سال ۱۹۹۵ با عنوان ابزارهای مالی (ارائه) و همچنین استاندارد ۳۹ در سال ۱۹۹۸ با عنوان ابزارهای مالی (شناخت و اندازه‌گیری) منتشر شد (دیلویت، ۲۰۱۸). در سپتامبر ۲۰۰۶ هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۵۷ تحت عنوان «اندازه‌گیری ارزش منصفانه» را با هدف ارائه راهکاری به‌منظور چگونگی اندازه‌گیری ارزش منصفانه برای اهداف گزارشگری، منتشر کرد. استاندارد ۱۵۷ در حال حاضر به دلیل تغییر کدبندی استانداردهای آمریکا، با عنوان تایپک ۸۲۰ نام دارد. به دلیل توافق نوروآک بین هیئت استانداردهای حسابداری

بین‌المللی و هیئت استانداردهای حسابداری مالی برای همگرایی مدل‌های حسابداری در سطح بین‌الملل، هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی تعریف ارزش منصفانه را در استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۱۳ به «اندازه‌گیری ارزش منصفانه» تغییر داد. استاندارد یاد شده، اندازه‌گیری‌های ارزش منصفانه‌ای که در استانداردهای مختلف وجود داشت را به صورت واحد در یک استاندارد قرار داد و در واقع به آن‌ها نوعی یکسانی و چارچوب بخشید و از ابتدای سال ۲۰۱۳ اجرای آن را الزامی کرد (کرمی و بیگ بشرویه، ۱۳۹۶). همان‌طور که گفته شد، مفهوم جدید ارزش منصفانه در استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی بسیار شبیه استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۵۷ (تاپیک ۸۲۰) است. طبق بخش ۱۱ و ۱۲ استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط، گفته شده سرمایه‌گذاری در سهام ممتاز غیرقابل تبدیل، سهام عادی و سهام ممتاز غیرقابل بازخريد به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

الف- اگر سهام مذکور به صورت عمومی قابل معامله باشد یا ارزش منصفانه آن بدون صرف تلاش یا هزینه زیادی به دست آید، سرمایه‌گذاری مذکور باید به روش ارزش منصفانه به همراه شناسایی تغییرات آن در سود یا زیان شناسایی شود: و
ب- مابقی سرمایه‌گذاری‌ها به روش بهای تمام‌شده به کسر کاهش ارزش شناسایی می‌گردند.

با توجه به متن استاندارد کلیه سرمایه‌گذاری‌های در سهام بورسی که به صورت کوتاه‌مدت یا بلندمدت طبقه بندی شده‌اند به روش مذکور یعنی ارزش منصفانه به همراه شناسایی تغییرات ارزش در سود یا زیان اندازه‌گیری می‌شوند.

برای ارزیابی عملکرد مالی یک شرکت، شاخص‌های مختلفی وجود دارد که مبتنی بر اهرم‌ها، نقدینگی، کارایی، سودآوری، اندازه شرکت و رشد شرکت هستند. اهرم مالی میزان استفاده از بدهی را در ساختار سرمایه نشان می‌دهد. یک شرکت اهرمی شرکتی است که در ساختار سرمایه خود از بدهی استفاده کرده است. مودیلیانی و میلر (۱۹۸۵) در تئوری خود نشان دادند شرکت‌هایی که اهرم بالایی دارند، ریسک بالایی را به سهامداران خود تحمیل می‌کنند. در نتیجه آن‌ها نیز بازده بیشتری را خواهان هستند. نقدینگی به راحتی و سرعت تبدیل دارایی‌ها به وجه نقد اشاره دارد. نقدینگی شاخص مهمی است زیرا توانایی شرکت در پراخت بدهی‌های کوتاه‌مدت خود را نشان می‌دهد. شرکتی که نقدینگی بالایی دارد، کمتر در ایفای تعهدات خود با مشکل مواجه می‌شود. کارایی عملیاتی نشان‌دهنده آن

است که شرکت چقدر به صورت کارا، ورودی را به خروجی تبدیل می‌کند و در واقع دارایی‌های خود به بهترین شکل مدیریت می‌کند یا خیر. (تکر، تکر و گانر ۲۰۱۶)

شاخص‌های مالی معمولاً به عنوان شاخص‌های کوتاه مدت شناخته می‌شوند و صرفاً مبتنی بر گذشته هستند. اهمیت شان در اندازه‌گیری کردن عملکرد از چهار ناحیه کلیدی است که شامل کارایی، نقدینگی، سودآوری و ساختار سرمایه هستند. هر شاخص مالی برای هدف خاصی طراحی شده است. در حالی که سودآوری، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را درباره عملکرد یک سازمان مطلع می‌سازد که آیا سود کردند یا زیان داشتند، کارایی، استفاده‌کنندگان را درباره این مطلع می‌کند که منابع تجاری به نحو مطلوب بکار برده و مدیریت می‌شوند یا خیر. ساختار سرمایه درباره این بحث می‌کند که آیا سرمایه مالکان یا سرمایه استقراضی، به نحو مطلوب بکار برده می‌شود یا خیر و نقدینگی نشان می‌دهد که آیا دارایی‌ها در چرخه معمول عملیاتی شرکت، به آسانی به وجه نقد تبدیل می‌شود یا خیر. شاخص‌های اندازه‌گیری از صورت‌های مالی به دست می‌آیند. صفایی قادیکلایی و خلیلی ۱۳۹۴، با استفاده از مقاله یالکین و همکاران در سال ۲۰۱۲ با دسته‌بندی معیارهای ارزیابی عملکرد مالی به دو دسته معیارهای مبتنی بر حسابداری و معیارهای مبتنی بر ارزش، مدلی سلسله مراتبی ارائه نمودند که این دو دسته معیارهای اصلی را تشکیل می‌دهد. معیارهای مبتنی بر حسابداری بر پایه اطلاعات تاریخی قرار داشته و بر صورت سود و زیان و ترازنامه تأکید دارند. با توجه به نظرات متخصصین مالی از چهار معیار حسابداری نرخ بازده دارایی‌ها (ROA)، بازده حقوق صاحبان سرمایه (ROE)، رشد سود عملیاتی (OPG)، نسبت قیمت به سهم (P/E) می‌توان به عنوان شاخص‌های عملکرد حسابداری نام برد. معیارهای مبتنی بر ارزش که به آن‌ها معیارهای نوین مالی نیز گویند جهت رفع کاستی‌های معیارهای سنتی ارزیابی عملکرد مالی و برای سنجش ارزش آفرینی شرکت‌ها بکار گرفته می‌شود. معیارهای مبتنی بر ارزش شامل: ارزش افزوده اقتصادی (EVA) ارزش افزوده بازار (MVA)، ارزش افزوده نقدی (CVA)، ارزش افزوده اقتصادی پالایش شده (REVA)، ارزش افزوده حقیقی (TVA)، کیوتوبین (Tobin's Q) و ارزش ایجاد شده برای سهامدار (CSV) می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در حوزه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط

پژوهش‌ها محدودی انجام شده است. در خصوص ارزیابی عملکرد مبتنی بر این استانداردها، در شرکت‌های کوچک و متوسط، پژوهشی در داخل یا خارج از کشور یافت نشد. با این حال، برخی از پژوهش‌های مشابه و مربوط به موضوع، به شرح زیر می‌باشند.

زاهد و موگان (۲۰۱۸)، در پژوهشی تحت عنوان "تحلیل عوامل تعیین‌کننده به‌کارگیری IFRS و IFRS برای SMEها: مطالعه در سطح جهانی" به بررسی این عوامل تعیین‌کننده پرداخته است. در این مقاله عواملی که موجب می‌شود کشورها استانداردهای بین‌المللی را بپذیرند بررسی شده است. این بررسی شامل سه بعد زمان بندی، محدوده IFRS و به‌کارگیری SME-IFRS می‌باشد. داده‌های این پژوهش مربوط به ۱۴۵ کشور و برای سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۱۵ می‌باشد. به‌طور کلی کشورهایی که کارایی قانون‌گذاری بیشتری دارند (کشورهایی که شاخص آزادی تجاری^۱ بالایی دارند) برای به‌کارگیری سریع‌تر IFRS در مقایسه با کشورهایی با کارایی پایین‌تر، کمتر درنگ می‌کنند. همچنین در این پژوهش گفته شده که به‌کارگیری این مجموعه استانداردها موجب تغییر قانون‌گذاری برای کسب‌وکار و همچنین تأثیر منفی بر اقتصاد کشورها می‌شود با این حال در کشورهایی که کارایی تجاری بالایی دارند انتظار می‌رود که با به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی، کارایی نیز افزایش یابد. در مقابل کشورهایی که بازارهای باز دارند (معاملات آزاد^۲)، دیرتر استانداردهای بین‌المللی را می‌پذیرند یا اصلاً این استانداردها را به کار نمی‌گیرند در واقع استانداردهای ملی مناسبی برای به‌کارگیری در بازارهای خود دارند. به‌رحال کشورهایی که معاملات آزاد کمتری دارند، پذیرش سریع‌تر استانداردهای بین‌المللی در آن‌ها بیشتر است که این ممکن است این سیگنال را بدهد که بازارها را بازتر و شفاف‌تر می‌کنند. کشورهایی با نرخ سواد بالا نیز استانداردهای بین‌المللی را سریع‌تر می‌پذیرند که این مورد با ادبیات نظری مربوطه مطابقت دارد. می‌توان نتیجه گرفت به‌کارگیری IFRS مستلزم شایستگی و دانش حرفه‌ای است و موجب می‌شود که کشورهایی که نرخ باسوادی در آن‌ها پایین است در مقابل کشورهایی که سطح تحصیلات آن‌ها بالاست در پذیرش استانداردها تأخیر داشته باشند. کشورهایی با تولید ناخالص داخلی بالا دیرتر IFRS را می‌پذیرند یا اصلاً نمی‌پذیرند. در مقابل کشورهایی که تولید ناخالص داخلی پایینی دارند استانداردهای بین‌المللی را زودتر می‌پذیرند تا کیفیت گزارشگری آن‌ها بیشتر شود و موجب رشد و تقویت اقتصاد کشورها

1. Business freedom
2. Trade freedom

گردد. کشورها دارای اقتصاد تورمی نیز استانداردها را زودتر پذیرش می‌کنند تا بتوانند تورم خود را کاهش دهند. کشورهای بزرگ نیز در پذیرش استانداردها تعلل می‌کنند و دیرتر آن‌ها را به کار می‌گیرند. نظام رویه قضایی کشور (سیویل لا^۱ و کامن لا^۲) و ارزش‌های فرهنگی به نظر می‌رسد تأثیری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی در کشورها ندارند. با پایین بودن کارایی قانون‌گذاری، آزادی کمتر در بازارها، رشد پایین اقتصادی و نظام قضایی کامن لا موجب می‌شود که IFRS برای واحدهای کوچک و متوسط بیشتر مورد پذیرش قرار گیرد و به نظر می‌رسد پذیرش نسخه کامل استانداردها و ارزش‌های فرهنگی بر پذیرش نسخه واحدهای کوچک و متوسط بی‌تأثیر باشد. بنابراین در کشورهای درحال توسعه (با شاخص آزادی تجاری پایین، آزادی کمتر بازارها و رشد اقتصادی پایین) IFRS برای SMEها را به این امید می‌پذیرند که کیفیت ارقام حسابداری را بیشتر کنند که از این طریق سرمایه‌گذاری جذب کنند.

بونیتو و پیس (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی عوامل کلان در پذیرش IFRS برای SMEها پرداختند. در این پژوهش با استفاده از نمونه‌ای شامل ۸۴ کشور تأثیر عوامل نهادی را بر پذیرش IFRS برای واحدهای کوچک و متوسط در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه بررسی کرده‌اند. منظور از عوامل نهادی در این پژوهش، عوامل زیر هستند: تحصیلات، موجود بودن استانداردهای حسابداری ملی برای SMEها، آشنایی با IFRS، نظام قانونی، کمک‌های خارجی، کیفیت استانداردهای حسابداری ملی و ارتباط بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کشورهایی که مجموعه استانداردهای حسابداری ملی ندارند و استفاده از نسخه کامل IFRS را در شرکت‌های بورسی خود مجاز دانسته یا اجبار کرده‌اند و نظام قضایی کامن لا دارند، بیشتر از سایر کشورها به استفاده از IFRS برای واحدهای کوچک و متوسط تمایل دارند. یکی از دلایل مربوطه این است که پذیرش IFRS برای واحدهای کوچک و متوسط هزینه تدوین استانداردهای ملی را کاهش می‌دهد. به‌رحال به نظر می‌رسد سطح تحصیلات، کمک‌های خارجی، کیفیت استانداردهای ملی و ارتباط استانداردهای حسابداری ملی با قوانین مالیاتی تأثیری بر به‌پذیرش IFRS برای واحدهای کوچک و متوسط در کشورها وجود ندارد. با این حال اگر سطح تحصیلات با نرخ باسوادی اندازه‌گیری شود می‌توان نتیجه گرفت که کشورهایی که سطح تحصیلات پایین دارند تمایل بیشتری برای پذیرش

1. Civil law
2. Common law

IFRS برای SMEها دارند. دلیل آن می‌تواند عدم وجود حسابداران باصلاحیت جهت توسعه استاندارد حسابداری ملی باشد. کیفیت استانداردهای حسابداری ملی و همچنین ارتباط استانداردهای حسابداری ملی و قوانین مالیاتی عوامل مهمی در پذیرش IFRS هستند نه پذیرش IFRS برای SMEها. از این پژوهش می‌تواند نتایج دیگری نیز گرفت. کشورهای عضو اتحادیه اروپا تمایلی به پذیرش IFRS برای واحدهای کوچک و متوسط نیستند. زیرا این استانداردها با رهنمودهای حسابداری^۱ اتحادیه اروپا ناسازگاری‌هایی داشت.

اقبال، نواز و احسان (۲۰۱۸)، عملکرد مالی و حاکمیت شرکتی واحدهای اقتصادی خرد را در کشورهای آسیایی مورد بررسی قرار دادند. از ۱۷۳ شرکت در ۱۸ کشور آسیایی در سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۱ استفاده کردند. برای حاکمیت شرکتی نیز از ۷ شاخص، سایز و ترکیب هیئت مدیره، خصوصیات مدیرعامل و نوع مالکیت و برای ارزیابی عملکرد نیز از شاخص‌های ROA، ROE و ROS استفاده نمودند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که ساختار حاکمیت شرکتی مناسبی دارند، سودآوری و پایداری شرکتی^۲ بیشتری دارند و بر عکس شرکت‌هایی که ساختار حاکمیت شرکتی مناسبی دارند، سودآورتر و پایدارتر می‌باشند.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس ادبیات نظری پژوهش، فرضیه‌های زیر طرح شد:
فرضیه اول: شاخص ROA پس از به‌کارگیری رویکرد ارزش منصفانه در شرکت‌های سرمایه‌گذاری تغییر معناداری می‌کند.
فرضیه دوم: شاخص ROE پس از به‌کارگیری رویکرد ارزش منصفانه در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، تغییر معناداری می‌کند.

روش پژوهش:

در این پژوهش از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای، ادبیات نظری و پیشینه تحقیق، عمدتاً از کتاب‌ها، مقالات داخلی و خارجی و سایت‌های اینترنتی دریافت شده است. در بخش میدانی نیز،

1. Accounting directive
2. sustainability

داده‌های پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها در سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) و همچنین اطلاعات پرتفوی سرمایه‌گذاری در این سامانه و اطلاعات قیمت سهام از شرکت مدیریت فناوری بورس تهران، استفاده گردیده است. داده‌های جمع‌آوری شده، ابتدا در نرم‌افزار Excel، گردآوری شده، سپس متغیرهای لازم محاسبه گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت‌های سرمایه‌گذاری زیرمجموعه‌ی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، که تعریف واحد کوچک و متوسط را طبق استاندارد بین‌المللی دارند، می‌باشد. همان‌طور که در مبانی نظری گفته شد، واحدهای کوچک و متوسط واحدهایی هستند که، مسئولیت پاسخگویی عمومی ندارند و صورت‌های مالی با مقاصد عمومی برای استفاده‌کنندگان خارجی منتشر می‌کنند. در این پژوهش شرکت‌های زیرمجموعه شرکت‌های بورسی، به عنوان جامعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، زیرا این شرکت‌ها تعریف واحدهای کوچک و متوسط را دارند، همچنین در استاندارد گفته شده که شرکت‌های زیرمجموعه‌ی شرکت‌هایی که از مجموعه کامل استانداردهای بین‌المللی استفاده می‌کنند، می‌توانند از استانداردهای کوچک و متوسط استفاده کنند. در واقع وقتی که برای شرکت‌های بورسی، مجموعه کامل استانداردهای بین‌المللی لازم‌الاجرا شود، شرکت‌های زیرمجموعه می‌توانند بین مجموعه کامل و مجموعه کوچک و متوسط یکی را انتخاب کنند. بنابراین نمونه آماری شامل شرکت‌هایی است که اطلاعات آن‌ها در سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) موجود می‌باشد. در نهایت از تعداد ۱۲۷ شرکت سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط در سامانه کدال، تعداد ۹۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شد.

قلمرو زمانی تحقیق حاضر از سال ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۶ می‌باشد. با توجه به این که از اطلاعات مقایسه‌ای برای برخی متغیرها استفاده شده است، لذا در نهایت قلمرو زمانی از سال ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۶ در نظر گرفته شده است.

مدل و متغیرهای پژوهش

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، از مدل‌های آزمون فرضیه آماری استفاده می‌شود. این آزمون‌ها براساس آماره‌هایی (statistic) به شرح زیر محاسبه می‌گردند. این آماره‌ها برای مقایسه دو جامعه آماری مورد استفاده قرار می‌گیرند. (آذر و مومنی، ۱۳۹۱). آماره آزمون

در فرضیه اول:

$$z = \frac{(ROA_{Adj} - ROA_{Pre})}{\sqrt{\frac{S_{ROA_{Adj}}^2}{n_1} + \frac{S_{ROA_{Pre}}^2}{n_2}}}$$

آماره آزمون در فرض دوم:

$$z = \frac{(ROE_{Adj} - ROE_{Pre})}{\sqrt{\frac{S_{ROE_{Adj}}^2}{n_1} + \frac{S_{ROE_{Pre}}^2}{n_2}}}$$

تعاریف و اندازه گیری متغیرهای فوق به شرح زیر است:

ROA_{Adj} و ROE_{Adj} به ترتیب بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، پس از به کارگیری رویکرد ارزش منصفانه طبق استاندارد واحدهای کوچک و متوسط است. برای محاسبه این متغیرها با توجه به این که اطلاعات ارزش منصفانه پورتنفوی شرکت‌های سرمایه گذاری کوچک و متوسط، در تابلوی بورس اوراق بهادار (Tsetmc.com)، موجود است، ارزش پورتنفوی این شرکت‌ها براساس قیمت روز (ارزش منصفانه)، محاسبه شده و در شاخص‌ها لحاظ گردیده است. همان‌طور که در مبانی نظری بیان شد، در استاندارد کوچک و متوسط، کلیه سرمایه‌گذاری‌ها در سهام شرکت‌هایی که در بورس معامله می‌شوند، اعم از کوتاه مدت و بلند مدت، به روش ارزش منصفانه اندازه‌گیری شده و تغییرات آن‌ها در صورت سود و زیان منعکس می‌گردد. بنابراین شاخص‌های عملکرد، با توجه به این رویه محاسبه شده و با شاخص‌های مذکور بر اساس استاندارد ایران، مقایسه گردیده است.

همچنین در آماره‌های فوق ROA_{Pre} و ROE_{Pre} و نیز قبل از اعمال رویکرد ارزش منصفانه طبق استانداردهای کوچک و متوسط (طبق توضیحات فوق) است. در واقع دو متغیر فوق، بر اساس صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای حسابداری ایران محاسبه شده‌اند.

نحوه محاسبه متغیرهای پژوهش به صورت زیر است: (بریلی، مایرز و زن، ۲۰۱۴)

$$ROA_{Pre} \text{ و } ROA_{Adj} = \frac{(After Tax Interest + Net Income)}{Total Asset}$$

$$ROE_{Pre} \text{ و } ROE_{Adj} = \frac{Net Income}{Equity}$$

After Tax Interest: هزینه مالی پس از مالیات

Net Income: سود خالص

Total Asset: مجموع دارایی‌های پایان سال

Equity: مجموع حقوق صاحبان سرمایه در پایان سال

متغیرهای ROA_{Adj} و ROA_{Pre} و ROE_{Pre} و ROE_{Adj} به ترتیب، واریانس نمونه‌ی مربوط به صورت زیر است:

$$\text{واریانس} = \frac{\sum (X_i - \bar{X}_i)^2}{n - 1}$$

که به جای X متغیرهای ROA_{Adj} و ROA_{Pre} و ROE_{Adj} و ROE_{Pre} و به جای \bar{X}_i میانگین این متغیرها قرار می‌گیرید. n نیز تعداد نمونه می‌باشد.

در خصوص فرضیه اول و دوم این پژوهش، از آزمون تفاوت میانگین دو متغیر استفاده می‌شود. در فرضیه اول منظور از دو متغیر، نسبت بازده دارایی‌ها (ROA) قبل و بعد از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی برای واحدهای کوچک و متوسط است. در فرضیه دوم، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) قبل و بعد از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی برای واحدهای کوچک و متوسط می‌باشد. در این تحقیق متغیرهای مذکور برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط مورد بررسی قرار گرفته است، زیرا امکان محاسبه ارزش منصفانه پورترفوی این شرکت‌ها به صورت قابل اتکا از طریق تابلوی بورس اوراق بهادار، وجود داشته و قیمت درج شده در این تابلو، با تعریف ارزش منصفانه در این مجموعه استاندارد مطابقت دارد. همچنین همان طور که بیان شد، نحوه مدیریت و سبدگردانی در این شرکت‌ها ممکن است متأثر از نحوه ارزیابی عملکرد آن‌ها توسط استفاده‌کنندگان باشد.

در آزمون فرضیه آماری، نرمال بودن توزیع نمونه‌گیری اهمیت دارد. در صورتی که جامعه نرمال باشد، توزیع نمونه‌گیری با هر اندازه از نمونه ($n > 1$)، نرمال می‌باشد. در صورتی که جامعه نرمال نباشد یا توزیع آن نامشخص باشد، در صورتی که اندازه نمونه بزرگ باشد طبق قضیه حد مرکزی بازهم توزیع نمونه‌گیری، نرمال می‌باشد. البته یکی از مفروضات قضیه حد مرکزی، مستقل بودن متغیرهای تصادفی است. به بیان دیگر باید نمونه‌گیری به صورت تصادفی (با جایگذاری باشد یا جامعه بزرگ) باشد. برای اینکه دو متغیر تصادفی، مستقل از یکدیگر باشند، بایستی تابع احتمال توأم دو متغیر، برابر باشد با حاصل ضرب تابع احتمال هر یک از آن دو متغیر. در واقع دو متغیر از یکدیگر مستقل

هستند، اگر و فقط اگر رابطه زیر برقرار باشد:

$$f_{x,y}(x,y) = f_x(x)f_y(y)$$

که این حالت در نمونه‌گیری تصادفی بدون جایگذاری رخ می‌دهد (وولدریج، ۲۰۱۶). با توجه به اینکه در بسیاری از پژوهش‌های مالی، از قضیه حد مرکزی بدون در نظر گرفتن مستقل بودن متغیرهای تصادفی (اعضای نمونه) انجام می‌شود، در این پژوهش نیز علی‌رغم اینکه نمونه‌گیری به صورت هدفمند و غیر آماری است، متغیرها مستقل از یکدیگر فرض شده و از قضیه حد مرکزی استفاده گردیده است. طبق قضیه حد مرکزی در صورتی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، توزیع نمونه‌گیری، نرمال می‌باشد. در برخی منابع گفته شده که اندازه نمونه بزرگ از ۳۰ مشاهده باشد (مانند پژوهش حاضر)، می‌توان از قضیه حد مرکزی استفاده کرد.

فرض‌های آماری در خصوص فرضیه اول و دوم این پژوهش به شرح زیر است:
فرضیه اول:

$$H_0: ROA_{Adj} = ROA_{Pre}$$

$$H_1: ROA_{Adj} \neq ROA_{Pre}$$

فرضیه دوم:

$$H_0: ROE_{Adj} = ROE_{Pre}$$

$$H_1: ROE_{Adj} \neq ROE_{Pre}$$

در خصوص هر دو فرضیه در صورتی که مقادیر به دست آمده از آماره‌های مربوطه، در بازه (۱,۶۴-، ۱,۶۴) باشد، فرض H_0 با اطمینان ۹۰ درصد پذیرفته شده و نتیجه‌گیری می‌شود شاخص‌های عملکرد، قبل و بعد از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدها کوچک و متوسط تغییر نمی‌کند. در صورتی که آماره مربوطه در این بازه (۱,۶۴-، ۱,۶۴) نباشد، فرض H_1 پذیرفته شده و به معنای این است که شاخص‌های عملکرد قبل و بعد از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی برای واحدهای کوچک و متوسط تغییر می‌کند.

نتایج پژوهش

برای فرضیه اول و دوم در جدول زیر، مجموع سود خالص قبل و بعد از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی کوچک و متوسط درج شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، سود خالص به طور میانگین ۲,۰۲ برابر شده است.

جدول ۱: جدول عملکرد قبل و بعد از به کارگیری

سود خالص بعد از تعدیل			سود خالص قبل از تعدیل			شرح
۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	
33,907,330	44,793,683	33,620,138	16,960,894	17,174,589	21,328,101	مجموع
۳۷,۴۴۰,۳۸۴			۱۸,۴۸۷,۸۶۱			میانگین
۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	تعداد نمونه

نتایج حاصل از انجام آزمون فرض‌ها، به شرح زیر است:

بررسی فرضیه اول

فرضیه اول: شاخص ROA پس از به کارگیری رویکرد ارزش منصفانه در شرکت‌های سرمایه گذاری تغییر معناداری می‌کند.
نتایج آزمون فرض مربوط در جداول زیر مشاهده می‌گردد.

جدول ۲: نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

ROA-Adj	ROA-Pre	ROA-Adj	ROA-Pre	ROA-Adj	ROA-Pre	
۱۳۹۴	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۶	شرح/سال
۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	تعداد نمونه
۰,۱۴	۰,۱۰	۰,۱۰	۰,۰۹	۰,۱۷	۰,۱۴	میانگین
۰,۲۶	۰,۱۷	۳۰,۰۰	۰,۱۹	۰,۲۳	۰,۱۹	انحراف استاندارد
۱,۲۶		۰,۰۰۳		۰,۹۸		آماره Z
(-۱,۶۴, ۱,۶۴)		(-۱,۶۴, ۱,۶۴)		(-۱,۶۴, ۱,۶۴)		مقدار بحرانی
تغییر معناداری ندارد		تغییر معناداری ندارد		تغییر معناداری ندارد		نتیجه آزمون

همان طور که مشاهده می‌شود شاخص بازده دارایی‌ها، در سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۶، قبل و بعد از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط، در سطح ۹۰ درصد، از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارد. بنابراین فرضیه اول تحقیق، در سطح ۹۰ درصد رد می‌گردد.

بررسی فرضیه دوم

فرضیه دوم: شاخص ROE پس از به کارگیری رویکرد ارزش منصفانه در شرکت‌های سرمایه گذاری، تغییر معناداری می‌کند.

جدول ۳: نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

ROE-Adj	ROE-Pre	ROE-Adj	ROE-Pre	ROE-Adj	ROE-Pre	
۱۳۹۴	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۶	شرح/سال
۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	تعداد نمونه
۰,۳۶	۰,۴۹	۰,۴۴	۰,۲۹	۰,۱۹	۰,۰۱-	میانگین
۱,۰۱	۲,۱۵	۱,۴۵	۱,۳۸	۱,۲۶	۲,۹۳	انحراف استاندارد
-۰,۵۳		۰,۷۳		۰,۶۱		آماره Z
(-۱,۶۴, ۱,۶۴)		(-۱,۶۴, ۱,۶۴)		(-۱,۶۴, ۱,۶۴)		مقدار بحرانی
تغییر معناداری ندارد		تغییر معناداری ندارد		تغییر معناداری ندارد		نتیجه آزمون

همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص بازده حقوق صاحبان سهام، در سال ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۶ قبل و بعد از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط در سطح ۹۰ درصد از لحاظ آماری تفاوت معناداری نکرده است. بنابراین فرضیه دوم تحقیق، در سطح ۹۰ درصد رد می‌گردد.

نتیجه گیری

فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر می‌باشد
 فرضیه اول پژوهش: شاخص ROA پس از به کارگیری رویکرد ارزش منصفانه در شرکت‌های سرمایه گذاری تغییر معناداری کرده است.
 فرضیه دوم پژوهش: شاخص ROE پس از به کارگیری رویکرد ارزش منصفانه در شرکت‌های سرمایه گذاری تغییر معناداری کرده است.
 این دو فرضیه در این پژوهش تأیید نشد. در واقع شاخص‌های مذکور پس از به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط، نسبت به استاندارد ایران، تغییر معناداری نکردند. در فرضیه شماره اول، شاخص ROA از لحاظ محاسباتی قبل و بعد از به کارگیری، تفاوت چندانی نداشت. هرچند در هر سه سال، شاخص تعدیل شده بیشتر از شاخص مبتنی بر استاندارد ایران است. اما این تفاوت از لحاظ

آماري معنادار نيست. در فرضيه دوم، شاخص ROE نيز به دليل بزرگ بودن انحراف استاندارد اين متغير، مخرج آماره مربوطه زياد شده و در نتيجه اين آماره كم مي‌شود و در بازه بحراني قرار مي‌گيرد. بنا بر اين هر دو شاخص قبل و بعد از به كارگيري تفاوت معناداري نداشته است.

طبق استانداردهاي بين‌المللي اعتقاد بر اين است كه استفاده از اين استانداردها كيفيت گزارشگري را افزايش مي‌دهد. بنا بر اين اين مجموعه استانداردها اطلاعات مفيدي را در خصوص ارزيابي عملکرد در اختيار استفاده‌كنندگان قرار مي‌دهند. با اين حال به كارگيري روش ارزش منصفانه بر ارزيابي عملکرد شركت‌هاي سرمايه‌گذاري كوچك و متوسط، تأثير بااهميتي نمي‌گذارد. به عنوان مثال هم ارزش دارايي‌ها افزايش مي‌يابد هم مبلغ سود سود خالص. كه در مجموع، ميانه‌گين اين نسبت‌ها طبق ارزش منصفانه تغيير با اهميتي نمي‌كند. با توجه به اينكه در استانداردهاي كوچك و متوسط، سرمايه‌گذاري کوتاه مدت و بلند مدت در سهام شركت‌هايي كه در بورس معامله مي‌شوند، بايد به ارزش بازار شناسايي شده و تغييرات ارزش اين سرمايه‌گذاري‌ها بايد در صورت سود و زيان ارائه شود، ممكن بود در صورتي كه شاخص‌هاي عملکرد طبق استانداردهاي بين‌المللي تغيير كند، ديدگاه مديريت نيز در سبد گرداني تغيير كند تا بتواند عملکرد خود را بهتر نشان دهد. با توجه به اينكه در متون مالي، بازدهي شامل سود سرمايه‌اي و سود نقدي تقسيمي است، احتساب تغييرات ارزش بازار سرمايه‌گذاري‌هاي کوتاه مدت و بلند مدت در سود خالص، مي‌تواند عملکرد شركت را بهتر منعكس كند. با اين حال نتايج اين پژوهش نشان مي‌دهد كه مجموعه استانداردهاي كوچك و متوسط در مقايسه با استانداردهاي حسابداري ايران، تفاوتی از لحاظ شاخص‌هاي عملکرد ندارند. بنا بر اين در شركت‌هاي سرمايه‌گذاري كوچك و متوسط، در صورت به كارگيري روش ارزش منصفانه تأثیری بر ارزيابي عملکرد اين شركت‌ها به وجود نمي‌آيد و متعاقباً بر تصميم‌گيري استفاده‌كنندگان و ديدگاه مديريت در سبد گرداني نيز تأثیری ندارد.

منابع

- آذر، عادل؛ و مومنی، منصور. (۱۳۹۱). *آمار و کاربرد آن در مدیریت*. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- خوش طینت، محسن. (۱۳۸۲). حسابداری بین المللی: نقش و جایگاه آن. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱(۱)، ۶۱-۸۴.
- رحمانی، علی. (۱۳۸۸). موانع پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری در ایران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۷(۲۷)، ۸۳-۱۰۷.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ و اسکندری، کیوان. (۱۳۹۱). چالش‌های حرفه‌ای: استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط. *حسابدار رسمی*، ۳۲(۳۲)، ۴۲-۶۴.
- صفایی قادیکلایی، عبدالحمید؛ و خلیلی، صابر. (۱۳۹۴). ارزیابی عملکرد مالی شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران یا بکارگیری فنون تصمیم‌گیری چند معیاره. *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، ۷(۱۴)، ۵۳-۷۱.
- کرمی، غلامرضا؛ و بیک بشرویه، سلمان. (۱۳۹۶). تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران با تاکید بر اندازه‌گیری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۴(۴)، ۵۷۳-۵۹۶.
- Amado, C. A. F., Santos, S. P., & Marques, P. M. (2012). Integrating the Data Envelopment Analysis and the Balanced Scorecard approaches for enhanced performance assessment. *Omega*, 40, 390-403.
- APEC-Asia-Pacific Economic Cooperation. (2018). *Small and Medium Enterprises*. Retrieved from <https://www.apec.org/Groups/SOM-Steering-Committee-on-Economic-and-Technical-Cooperation/Working-Groups/Small-and-Medium-Enterprises>
- Ball, R., Li, X., & Shivakumar, L. (2015). Contractibility and Transparency of Financial Statement Information Prepared Under IFRS: Evidence from Debt Contracts Around IFRS Adoption. *Journal of Accounting Research*, 53(5), 915-963.
- Barth, M. E. (2008). Global financial reporting: Implications for U.S. academics. *Accounting Review*, 83(5), 1159-1179.
- Bonito, A., & Pais, C. (2018). The macroeconomic determinants of the adoption of IFRS for SMEs. *Revista de Contabilidad*, 21(2), 116-127.
- Brealy, R., Myers, Stewart C., & Allen, F. (2014). *Principles of Corporate Finance* (11th Edition). McGraw-Hill/Irwin.

- Chen, J. (2006). Development of Chinese small and medium-sized enterprises. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 13(2), 140–147.
- De George, E. T., Li, X., & Shivakumar, L. (2016). A review of the IFRS adoption literature. *Review of Accounting Studies*.
- Deloitte. (2018). IAS 39 Financial Instruments: Recognition and Measurement. Retrieved from <https://www.iasplus.com/en/standards/ias/ias39>
- EUROPEAN COMMISSION. (2012). *Small companies create 85 % of new jobs*.
- EUROPEAN COMMISSION.(2018). *Statistics on small and medium-sized enterprises*. Retrieved from https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Statistics_on_small_and_medium-sized_enterprises#SME_profiling_E2.80.94_independent_or_dependent_enterprises.3F
- Fiechter, P., & Novotny-Farkas, Z. (2016). The impact of the institutional environment on the value relevance of fair values. *Review of Accounting Studies*, 22(1), 392–429.
- Fox, A., Hannah, G., Helliard, C., & Veneziani, M. (2013). The costs and benefits of IFRS implementation in the UK and Italy. *Journal of Applied Accounting Research*, 14(1), 86–101.
- IFRS Foundation.(2018).*International Financial Reporting Standard(IFRS)*.Retrieved from <https://www.ifrs.org/issued-standards/list-of-standards/>
- IFRS Foundation. (2015). *International Financial Reporting Standard(IFRS) for Small and Medium-sized Entities(SMEs)*. Retrieved from <https://www.ifrs.org/issued-standards/ifrs-for-smes/>
- IFRS Foundation. (2018). Retrieved from <http://ifrs.org>
- Iqbal, S., Nawaz, A., & Ehsan, S. (2018). Financial performance and corporate governance in microfinance: Evidence from Asia. *Journal of Asian Economics*.
- Office of the united states trade representative. (2018). *Small Business*. Retrieved from <https://ustr.gov/issue-areas/small-business#>
- Perera, D., & Chand, P. (2015). Issues in the adoption of international financial reporting standards (IFRS) for small and medium-sized enterprises (SMES). *Advances in Accounting*, 31(1), 165–178.
- Teker, S., Teker, D., & Güner, A. (2016). Financial Performance of Top 20 Airlines. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 235(October), 603–610.
- Wooldridge, J. M. (2016). *Introductory Econometrics A Modern Approach*.CengageLearning. <https://doi.org/10.1016/j.jconhyd.2010.08.009>
- Zahid, R. M. A., & Simga-Mugan, C. (2018). *An Analysis of IFRS and SME-IFRS Adoption Determinants: A Worldwide Study*. Emerging

Markets Finance and Trade, 55(2), 391-408.